



کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی

(جلد دوم)

(بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)

Idioms and Phrasal Verbs
Advanced
Ruth Gairns and Stuart Redman

مترجم و مؤلف:

محمد رضا یار احمدی

سرشناسه	: یاراحمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی: (بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی = Idioms and phrasal verb / مؤلف و مترجم محمدرضا یاراحمدی.
مشخصات نشر	: تهران: گروه تألیفی دکتر خلیلی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ج: مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۸۰۰۰۰ ریال: ج. ۱: ۵۲-۰۰-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲: ۵۹-۰۰-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان دیگر: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.
عنوان دیگر	: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.
عنوان دیگر	: (بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی.
موضوع	: زبان انگلیسی - اصطلاح‌ها و تعبیرها -- فارسی
موضوع	: زبان انگلیسی - اصطلاح‌ها و تعبیرها - آموزش برنامه‌ای
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ک۲/ی۲/۱۴۶۰ PE
رده بندی دیوئی	: ۴۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۱۹۱۰۴

نام کتاب: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی (جلد دوم)

ترجمه و تألیف: محمدرضا یاراحمدی

ناشر: گروه تألیفی دکتر خلیلی

نوبت و سال چاپ: اول. ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: ندای ایران

لیتوگرافی و صحافی: راد

ناظر چاپ: حمید خلیلی

مدیر فنی و هنری: علی صفاری

طراحی و صفحه آرایی: آتلیه انتشارات گروه تألیفی دکتر خلیلی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۳-۵۹-۹

بهاء: ۳۹۰۰۰۰ تومان

Website: www.drKhaliligroup.ir

مرکز پخش: ضلع جنوب غربی میدان انقلاب- جنب سینما پارس- پاساژ پارس - طبقه اول

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۰۶۷۲۵ و ۰۲۱-۶۶۵۶۸۶۲۱

مدیر فروش: حمید خلیلی ۰۹۱۲۵۵۰۸۵۸۹

(مجموعه کتاب های IQB و ما طراحان را می توانید با هماهنگی آموزشگاه یا مدیر فروش، از طریق پست دریافت نمایید.)

فهرست مطالب

بخش اول

۱. عبارت‌های فعلی و اصطلاحات ۱۲
۲. عبارت‌های اسمی و اصطلاحات ۲۱
۳. عبارت‌های وصفی و اصطلاحات ۲۹
۴. عبارت‌های حرف اضافه و اصطلاحات ۳۱
۵. عبارت‌های ثابت به همراه دو کلید واژه (عبارت‌های پیوندی) ۳۵

بخش دوم

۱. کاربرد استعاره در اصطلاحات ۴۱
۲. کاربرد تشبیه در اصطلاحات ۴۶
۳. کاربرد ضرب المثل در اصطلاحات ۴۷
۴. کاربرد عبارت‌های تأکیدی در اصطلاحات ۵۰
۵. کاربرد عبارت‌های اغراق آمیز در اصطلاحات ۵۱

بخش سوم

۱. اصطلاحات کاربردی زبان گفتار ۵۴
۲. اصطلاحات کاربردی زبان نوشتار ۶۱
۳. رسانه‌های گروهی ۶۲
۴. متون حقوقی ۶۳

بخش چهارم

۱. ارتباطات و اصطلاحات ۶۷
۲. تفسیر (توضیح) شرایط و اصطلاحات ۷۰
۳. سخنرانی و اصطلاحات ۷۳
۴. بیان نگرش (دیدگاه) و اصطلاحات ۷۵

بخش پنجم

۱. زبان طنز (شوخی) و اصطلاحات ۸۰
۲. زبان نقد (انتقاد) و اصطلاحات ۸۳
۳. زبان بحث و اصطلاحات ۸۶

بخش ششم

۱. نصیحت و اصطلاحات ۹۰
۲. مشکلات و اصطلاحات ۹۴
۳. تصمیم‌گیری و اصطلاحات ۹۸
۴. ریسک‌پذیری و اصطلاحات ۱۰۲

بخش هفتم

۱. توصیف شخصیت و اصطلاحات ۱۰۶
۲. توصیف رفتار و اصطلاحات ۱۰۹
۳. توصیف احساسات و اصطلاحات ۱۱۲

بخش هشتم

۱. خانواده و اصطلاحات ۱۲۱

بخش نهم

۱. زندگی (فعالیت فیزیکی، خوراک، سلامتی) و اصطلاحات ۱۲۹

بخش دهم

۱. قرار و اصطلاحات ۱۳۹
۲. تجدید دیدار و اصطلاحات ۱۴۱
۳. کنفرانس و اصطلاحات ۱۴۴
۴. جلسه و اصطلاحات ۱۴۶

بخش یازدهم

۱. پول و اصطلاحات ۱۵۱
۲. فقر و ثروت و اصطلاحات ۱۵۳
۳. کار و اصطلاحات ۱۵۵
۴. تجارت و اصطلاحات ۱۵۹

بخش دوازدهم

۱. جرم و اصطلاحات ۱۶۵
۲. تظاهرات و اصطلاحات ۱۶۸
۳. سیاست و اصطلاحات ۱۷۱
۴. کشمکش (مبارزه) و اصطلاحات ۱۷۲

بخش سیزدهم

این بخش جهت مطالعه‌ی شخصی خوانندگان است.

۱. رسانه ۱۷۴
۲. افراد مشهور ۱۷۶
۳. رقابت ۱۷۸
۴. جشنواره موسیقی ۱۸۰
۴. مسابقه فوتبال ۱۸۱
۵. آب و هوا ۱۸۳

مقدمه:

"The illiterate of 21st century will not be those who cannot read and write, but those who cannot learn, unlearn, and relearn."

ELVIN TOFFLER

بی سواد قرن بیست و یکم کسی نیست که خواندن و نوشتن بلد نباشد بلکه کسی است که توان یاد گرفتن، دست کشیدن از یاد گرفته ها و دوباره یاد گرفتن را ندارد.

زبان محاوره‌ای و معیار

زبان معیار در نزد اهل فن، زبانی است که فرهیختگان در گفتار و نوشتار به کار می‌گیرند. این زبان از قدمت و پختگی برخوردار است و با زبان مردم کوچه و بازار تفاوت دارد. اما اگر با واقع بینی به مطالعه زبان بپردازیم، نمی‌توانیم منکر موجودیت زبان غیر رسمی یا به قولی کوچه بازاری بشویم، زبانی که بسیاری مردم با آن گفتار می‌کنند.

در مقاله ی "فارسی زبان عقیم؟" دکتر محمد رضا باطنی آورده است: "زیایی واژگانی از نظر زبان شناختی به مبحث اشتقاق یا واژه سازی مربوط می‌شود و اشتقاق یعنی این که ما بتوانیم از اسم یا صفت فعل بسازیم". برای روشن تر شدن مطلب عیناً قسمتی از مقاله دکتر باطنی را در این جا می‌بینیم.

۱- گفتیم در فارسی فقط فعل‌های ساده هستند که زیایی دارند، یعنی می‌توان از آنها مشتق به دست آورد. اثبات این امر بسیار ساده است. به عنوان مثال فعل "نمودن" را در نظر بگیرید. ما از این فعل مشتق‌های زیادی به دست می‌آوریم: نمود، نمودار، نموده، نمونه، نما، نمایان، نمایش، نماینده (ومشتق‌های دیگری نظیر: نماد، نمادین، نمادگری، نمایه، که به تازگی ساخته و رایج شده اند و نیز مشتق‌های درجه دومی نظیر: نمایندگی، نمایشگاه، نمایشنامه، نمایشی، که با افزودن پسوندی به مشتق‌های درجه اول ساخته شده اند). با این همه "نمودن" به معنایی که سعدی در این شعر به کار برده است :

دیدار می‌نمایی و پرهیز می‌کنی بازار خویش و آتش ما تیز می‌کنی

در گفتار و نوشتار امروزه بسیار کم به کار می‌رود تاجایی که می‌توان گفت این فعل از بین رفته یا در شرف از بین رفتن است. در زبان فارسی متداول فعل مرکب "نشان دادن" جانشین معنی متعدی آن شده و فعل‌های مرکب "به نظر آمدن" و "به نظر رسیدن" نیز جانشین معنی لازم آن

شده اند. ولی این فعل‌های مرکب عقیم هستند و هیچ مشتقی از آنها به دست نمی‌آید. به بیان دیگر، اگر ما فعل ساده "نمودن" را از اول نداشتیم و از همان آغاز این فعل‌های مرکب به جای آن به کار رفته بودند، امروزه هیچ یک از مشتق‌هایی که در بالا برشمردیم در فارسی وجود نداشت. به عنوان مثال دیگر می‌توان "فریفتن" و "فریب دادن" را مقایسه کرد. از "فریفتن" که مصدری ساده یا بسیط است می‌توان مشتق‌هایی به دست آورد: فریفته، فریفتگی، فریب، فریبا، فریبایی، فریبنده، فریبندگی. ولی از "فریب دادن" که مصدری مرکب است مشتقی به دست نمی‌آید. "فریفتن" در گذشته به صورت لازم و متعدی هر دو به کار می‌رفته است. ولی امروزه معنی لازم خود را بکلی از دست داده است و در معنی متعدی نیز کاربرد زیادی ندارد. بسامد یا فراوانی کاربرد "فریب دادن" از "فریفتن" بسیار بیشتر است، و اگر روند تبدیل فعل‌های ساده به مرکب همچنان ادامه یابد در آینده جانشین بلامنازع "فریفتن" خواهد شد.

۲- در فارسی امروز دیگر فعل ساده ساخته نمی‌شود، یعنی به طور عادی نمی‌توان از اسم یا صفت فعل ساخت. زبان فارسی به ساختن فعل‌های مرکب گرایش دارد و برای مفاهیم تازه نیز از همین الگو استفاده می‌کند. ذکر چند مثال موضوع را روشن خواهد ساخت. در انگلیسی از television فعل televise و در فرانسه فعل televise را ساخته‌اند. در عربی هم از آن فعل می‌سازند و می‌گویند تلفز، یتلفز. اما ما در فارسی می‌گوییم "ازتلویزیون پخش کرد." در انگلیسی واژه telephone را به صورت فعل هم به کار می‌برند. در فرانسه نیز از آن فعل telephone را ساخته‌اند. در عربی هم از آن فعل می‌سازند و می‌گویند تلفن، یتلفن. اما ما در فارسی از فعل مرکب "تلفن کردن" استفاده می‌کنیم. در انگلیسی از واژه philosophy فلسفه "فعل philosophize و در فرانسه از philosophie فعل philosopher را ساخته‌اند.

در عربی هم از فلسفه فعل می‌سازند و می‌گویند تفلسف، یتفلسف. اما ما در فارسی اگر مورد قبول واقع شود، می‌گوییم "فلسفه پرداختن" یا "به فلسفه پرداختن".^۱ امروزه مخصوصاً بین جوانان عبارت "بهت می‌زنم" جای "با شما تماس تلفنی می‌گیرم" یا "بهت زنگ می‌زنم" را گرفته است. به نظر بسیاری از زبان‌شناسان این نوع گفتار، به ساختار زبان پارسی لطمه می‌زند. اما نمی‌توان انکار کرد که این نوع گفتار، متکلمین یا گویش‌وران خاص خود را دارد. البته پیشرفت تکنولوژی و متعاقب آن سرعت ارتباطات به گسترش این امر کمک می‌کند. ضیق وقت هم انسان‌ها را وادار به موجز گویی کرده و خواه ناخواه این نوع گویش در بین مردم رواج پیدا می‌کند.

شکل (form)

ما برای بیان اندیشه‌ها و احساس‌ها مان به قالبی نیازمندیم تا در آن قالب کلمات مورد نیاز را ریخته و شکل دهیم. این قالب می‌تواند گزارشی، نمایشی، ادبی و ... باشد. بیان ما همیشه با احساساتمان می‌آمیزد و بر گفتارمان لحنی اضافه می‌کند. این لحن ممکن است جدی، ترسناک، ملایم، تند، طنز آلود و ... باشد. پس از آن با توجه به موقعیتی که در آن هستیم ناچار به استفاده از نوعی زبان می‌شویم که شاید در موقعیت دیگر آن نوع زبان کارایی نداشته باشد. مثلاً در ادارات یک نوع زبان استفاده می‌شود که در صف نانوايي اگر استفاده شود موجبات خنده اطرافيان را فراهم می‌آورد. پس در موقعیت‌های متفاوت از ظرفیت‌های گوناگون زبان استفاده می‌کنیم و گاهی هم مجبور به استفاده از زبان نوشتاری می‌شویم. انواع قابلیت زبان می‌تواند به‌صورت اداری، علمی، محاوره‌ای و یا زبان رسمی باشد.

سبک و سیاق (register and style)

سبک، کاربرد زبان با توجه به توانایی و شناخت گویش‌ور از موقعیت‌های خاص اجتماعی است. یعنی اینکه گویش‌ور بداند در موقعیت‌های مختلف باید از چه نوع ظرفیت زبان استفاده کند. اما سیاق، ساختار زبان در شغل‌های متفاوت است. مثلاً زبان روزنامه‌ای با زبان مردم عادی فرق می‌کند و یا سیاق علمی صراحت خاص خود را دارد. در کارهای ادبی می‌توان از واژگان خاص یا صناعات ادبی استفاده کرد ولی در گزارش‌های علمی که اغلب انتقال مطلب، هدف اصلی محسوب می‌شود اجازه استفاده از فنون بیان مثلاً تشبیه، استعاره و ... را نداریم. تا آنجا که در نوشتار علمی حتی پاورقی نویسی هم که ضرورت یک متن به حساب می‌آید باعث حواس پرتی خواننده می‌شود و باید نقل قول‌ها و توضیحات را در پراکنش و بلافاصله جلو مطالب آورد.

در زبان محاوره‌ای که اساساً با زبان نوشتاری متفاوت است، اغلب elision یا حذف صورت می‌گیرد. البته در زبان رسمی هم حذف داریم که بعضی کاملاً مشهود و برخی خیلی آشکار نیستند. مثلاً اگر بنویسیم "بسر پستی"، خواندن آن راحت نیست. در صورتی که خواندن همین دو کلمه بصورت "بسته پستی" برای کسی مشکل ایجاد نمی‌کند، همچنین تلفظ "داسدان" برای واژه "داستان" و "ماسد" بجای "ماست"، صورت گفتاری این کلمات است که گرچه به کرات بر زبان جاری می‌شوند، در نوشتن نامانوس به نظر می‌رسند. دلیل آن است که حرف "ت" در آخر کلمات در هیچ زبانی در دنیا به طور کامل تلفظ نمی‌شود. البته این مبحثی زبان شناسی است که توضیح بیشتر آن در این مقال نمی‌گنجد. از نظر زبان شناسان اهمیت زبان گفتاری به مراتب بیشتر از زبان نوشتاری است و این به خاطر فراوانی افرادی است که از آن استفاده می‌کنند و در نتیجه بدان اعتبار می‌بخشند. در کشور ما اخبار روز به زبان رسمی اما به حالت گفتاری بیان

می‌شود. البته اگر زبان معیار حالت محاوره‌ای به خود بگیرد، باز با زبان عامیانه فرق می‌کند. در زبان عامیانه به "ففل"، "فلف" و به "سطل"، "سلط" می‌گویند و بطور کلی زبان افراد بی سواد و کم سواد است. ولی زبان محاوره‌ای که رنگ و بوی زبان معیار در آن پر رنگ باشد، نزد اهل فن، زبانی پذیرفتنی است. کما اینکه در مجامع فرهنگی کشورمان این نوع زبان رواج دارد. مقوله استفاده از زبان محاوره‌ای در کنار زبان رسمی در ایران از قدمت و سابقه‌ای قدیمی برخوردار است. این هم جواری اغلب موجب غنی تر شدن زبان پارسی شده است. برای مثال می‌توان از اشعار ساختارشکنانه مولوی یاد کرد. تغییراتی که گاه گاه در زبان پارسی به خاطر مجاورت با زبان عامه مردم و زبان محاوره‌ای آن‌ها ایجاد گردیده، انکار ناپذیر است. زبان پارسی در تعامل رو در روی افراد، بسیار بهتر به ارتباط گوینده و مخاطب - که هدف اصلی است - می‌انجامد. گویش‌ها یا اصطلاحات، راحت تر از زبان معیار و رسمی اندیشه‌های ما را بیان می‌کنند. معمولاً اصطلاحات، تصاویر ذهنی برای ما فراهم می‌کنند که همه چیز را آسان تر توضیح می‌دهند. مثلاً اصطلاح "چرب و چیلی"، بار معنایی و تصویری بالایی دارد که عبارت "بسیار چرب" - که همان مفهوم را دارد - نمی‌تواند آن بار معنایی را منتقل کند. طرفداران استفاده از زبان محاوره‌ای می‌گویند، صمیمیت در گفتار گوینده هنگامی که با زبان محاوره‌ای ارتباط برقرار می‌کند بیشتر است و زبان گفتاری باید حتماً با زبان نوشتاری و مطبوعاتی تفاوت داشته باشد. اما مخالفان تاکید می‌کنند که برای مثال مجریان تلویزیون باید برای عامه مردم الگوی زبان معیار باشند و اگر سخیفانه سخن برانند این الگو به نمونه‌ای بد تبدیل می‌شود و در کل بدآموزی دارد. به هر حال نمی‌توان منکر وجود زبان محاوره‌ای با بار معنایی قوی و ارتباط گرم و صمیمی که برقرار می‌کند شد.

تقدیم به خانواده و استادانم

با تشکر از خانم زهره چگنی که موجودیت این کتاب مدیون زحمات اوست.

اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنِيْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْهَوَاهِمِ
وَ اَكْرِمْنِيْ بِنُورِ الْفَهْمِ
اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ
وَ اَنْشُرْ عَلَيْنَا خُزَايْنِ عُلُوْمِكَ
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

پروردگارا، خارج کن مرا از تاریکی های فکر و گرامی بدار به نور فهم
پروردگارا، بگشای بر ما درهای رحمتت را و بگستران گنج های دانشت را
به امید رحمت توای مهربان ترین مهربانان

بخش اول

۱. عبارت‌های فعلی و اصطلاحات
۲. عبارت‌های اسمی و اصطلاحات
۳. عبارت‌های وصفی و اصطلاحات
۴. عبارت‌های حرف اضافه و اصطلاحات
۵. عبارت‌های ثابت به همراه دو کلید واژه (عبارت‌های پیوندی)

شرح مختصری از عبارتهای فعلی

در زبان انگلیسی عبارتهای فعلی از زیر مجموعه اصطلاحات محسوب می‌شوند. عبارتهای فعلی به طور معمول از دو یا سه کلمه تشکیل شده‌اند و فهم معنای آنها از باقی اصطلاحات آسان‌تر است. عبارتهای فعلی از یک فعل اصلی به همراه حرف اضافه و یا قید تشکیل شده‌اند، مانند: ...chek in, slow up, look up. به عبارت دیگر معنای عبارات فعلی از معنای فعل اصلی بدون حرف اضافه متمایز است.

ساختار دستوری عبارات فعلی

مهمترین عبارات فعلی عبارتند از:

۱. عبارات فعلی که مفعول نیاز ندارند. (فعل لازم – intransitive)

۲. عبارات فعلی جدا شدنی که به مفعول نیاز دارند. (افعال جداشدنی، متعدی – transitive)

- مفعول می‌تواند میان فعل اصلی و حرف قرار گیرد.
- مفعول می‌تواند بعد از عبارت فعلی قرار گیرد.

مثال

- She wrote **his name** down. (true)
- She wrote down **his name**. (false)

• اگر مفعول طولانی باشد، پس از عبارت فعلی قرار می‌گیرد.

مثال

- She write down **every thing she could remember about him**.

• اگر مفعول، ضمیر باشد بین حرف و فعل قرار می‌گیرد.

She wrote *it* down.

مثال

۳. عبارات فعلی که حتی با وجود مفعول، جدا نشدنی هستند. (افعال جدا نشدنی، متعدی = transitive)

مثال

He looked after the baby. •

He looked the baby after. ×

معنای عبارات فعلی

۱. بعضی از حرف‌ها معنای فعل اصلی در عبارات فعلی را کامل می‌کنند.

برای مثال در جمله‌ی زیر up معنای کامل و تمام می‌دهد.

Eat up your supper.

شامت رو کامل بخور.

نکته: بعضی از حرف‌ها معنای تازه‌ای به فعل اصلی می‌دهند، اما این معنای جدید هنوز در ارتباط با فعل اصلی است.

برای مثال در جمله زیر in معنای داخل یا در خانه می‌دهد.

Let's eat in this evening. بیا امشب شام رو خونه بخوریم.

۲. بعضی از حرف‌ها معنای فعل اصلی را از سطح معمولی و اولیه به معنای کنایه‌ای تغییر می‌دهد.

برای مثال در جمله زیر into معنای خرج کردن و تمام کردن می‌دهد.

These big bills are eating in to my savings.

با این صورت حساب‌های وحشتناک، تمام پس‌اندازی که دارم رو خرج می‌کنم.

عبارات فعلی به همراه حرف اضافه (زبان رسمی)

در جلد اول، راجع به عبارت‌های فعلی به همراه حرف اضافه صحبت کردیم که در حیطه زبان غیر رسمی قرار می‌گرفتند. باید بدانید که تعداد کمی از این عبارت‌ها در این حیطه هستند. در این جلد راجع به کاربرد این گونه فعل‌ها در زبان رسمی گفتار و نوشتار صحبت می‌کنیم. این فعل‌ها معمولاً در انگلیسی نوشتاری و بیشتر در زبان رسمی گفتاری استفاده می‌شوند. وسعت استفاده این فعل‌ها در زبان رسمی به این خاطر است که فعل اصلی این عبارات شکل رسمی دارند.

در جدول زیر نمونه‌ای از این عبارتهای فعلی به همراه حرف اضافه آورده شده است.

معنی	اصطلاح
وفادار بودن به، اطاعت کردن از (قوانین، دستورها)	adhere to sth
با کنایه صحبت کردن	allude to sth
مشابه، مثل، برابر چیزی بودن	amount to sth
شرکت کردن، درگیر شدن در کاری	be engaged in sth
با مشکلات و شرایط بد دست و پنجه نرم کردن	contend with sth
محروم کردن کسی از چیزی	deprive sb/ sth
از کار بیکار کردن، از کار بیکار شدن	dispense with sb's services
از دست چیزی خلاص شدن	dispose of sth/ sb
شروع / آغاز کردن کار جدید، اقدام کردن	embark on/ upon sth
تاثیر مخرب بر کسی / چیزی داشتن	impinge on/ upon sb/ sth
از خود راضی بودن، به خود افتخار کردن	pride yourself on sth/ doing sth
خود را متقاعد کردن	resign yourself to sth
در معرض عوامل ناخوشایند قرار گرفتن	subject sb to sth
موافق بودن با عقیده یا نظریه ای	subscribe to sth

نکته: تفاوت میان on و upon

انتخاب یکی از این دو حرف به شکل گفتار یا نوشتاری که از آن استفاده می‌شود بستگی دارد. upon شکل رسمی‌تر on است.

مثال‌های نمونه‌ای از کاربرد این اصطلاحات را نشان می‌دهد.

If multinational companies adhere to the European Court's decision, they may have to dispose of assets which will deprive them of significant sources of income.

اگر شرکت‌های بین‌المللی از تصمیم دادگاه اروپایی اطاعت کنند، ممکن است از دست سرمایه‌ای که آنها را از داشتن منابع اصلی درآمدی محروم می‌کند، خلاص شوند.

Britain is having to contend with an aging population, the implications of which could impinge upon almost all of us in one way or another over the next 20 to 30 years.

بریتانیا با جمعیت سالخورده دست و پنجه نرم می‌کند. این مسئله می‌تواند بر همه ما به نحوی در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده تاثیر مخرب بگذارد.

In the past the company prided itself on being a major employer in the area, but last week it reluctantly agreed to dispense with the services of three of its regional managers.

در گذشته شرکت این افتخار را داشته که یکی از بزرگترین استخدام کنندگان باشد. اما هفته گذشته با اکراه تصدیق کرد که سه نفر از مدیران منطقه‌ای خود را از کار برکنار کرده است.

Banks are resigning themselves to the fact that they will be subjected to much closer scrutiny if the government embarks upon its plan of tighter financial regulation.

اگر دولت اقدام به اجرای طرح سخت‌گیری در قوانین مالی کند، بانک‌ها باید بپذیرند که عملکرد آنها تحت موشکافی و بررسی دقیق‌تری قرار خواهند گرفت.

Jonathan Brannon's solicitor alluded to the fact that he and his ex-wife were still engaged in a dispute over the ownership of their former home.

وکیل جانانان برانونز تلویحاً گفت که او و همسر سابقش هنوز در باره مالکیت خانه سابقشان مشاجره دارند.

A spokesperson said he did not subscribe to the view that the club's action had amounted to unfair dismissal.

یک سخنگو اظهار کرد که مخالف این عقیده است که اقدام باشگاه منجر به برکناری ناعادلانه است.

ساختار متفاوت، معنای متفاوت عبارتهای فعلی

مطالعه‌ی جدول زیر نشان می‌دهد که چگونه با تغییر ساختار عبارتهای فعلی، معنای آنها تغییر خواهد کرد.

The plane put down in a field. (put down) intransitive. به زمین نشستن

I'll put your number down here. نوشتن اسم، شماره یا چیزی بر روی کاغذ
(put sth down).

The cat had to be put down. کشتن حیوانات پیر و مریض

Don't put yourself down so much! تحقیر کردن
(put yourself/ sb down)

I put my name down for the day trip to the seaside. ثبت نام کردن،
(put sb/ sb's name down for something) نام نویسی کردن

توجه: بعضی از عبارت‌های فعلی به جز فعل اصلی، دو قسمت قید و حرف اضافه هم دارند و بعضی از عبارات فعلی با عبارت‌ها و شبه جمله‌های دیگر استفاده می‌شوند.

جدول زیر نمونه‌ای از این اصطلاحات را نشان می‌دهد.

count on sb to do sth	روی کسی حساب کردن
put sb up to sth	تحریک کردن (کسی) برای انجام کار بد، اغوا
talk sb in to / out of doing sth	متقاعد کردن کسی برای انجام دادن / ندادن کاری
work out + wh clause	فهمیدن / دانستن (جواب)

مثال‌های زیر نمونه‌ای از کاربرد این اصطلاحات را نشان می‌دهد.

- She's usually very good; Dany must have put her up to it.
- I tried to talk her out of resigning, but she went ahead.
- I'm counting on you to help us.
- I can't work out what this means.

معانی کنایی عبارات فعلی

همانطور که می‌دانید هر کلمه علاوه بر معنای اصلی، ممکن است دارای معانی ضمنی دیگر باشد. در کنار معنای اصلی عبارات فعلی، معانی کنایی آنها نیز در گفتار و نوشتار استفاده می‌شوند.

در جدول زیر نمونه‌ای از این عبارات فعلی آورده شده است.

معنای اصلی	اصطلاح فعلی
جدا / پاره پاره شدن	fall apart
تغذیه کردن از چیزی	feed on
پایین آمدن	go down
تخریب کردن، ویران کردن	knock down
کشیدن، جذب کردن	soak up
سرریز شدن، ریختن	spill over
عقب ایستادن	stand back
محکم کردن	tight up
چرخاندن	turn around/ round
پیچاندن	wrap up

جدول زیر نمونه‌ای از این مثال‌ها را ذکر می‌کند.

- The book's falling apart.
- Goats feed on grain.
- This lift is going down.
- The building is being knocked down.
- I soaked it up with a sponge.
- The water is spilled over.
- Stand back from the platform.
- You need to tighten up the screw.
- Turn the clock around/ round.
- She wrapped it up for me.

جدول زیر معنای کنایی عبارت‌های فعلی بالا را ذکر می‌کند.

عبارت فعلی	معنای کنایی
fall apart	منتفی شدن، فسخ شدن، از بین رفتن
feed on	تقویت شدن به وسیله چیزی، قوی شدن به وسیله ...
go down	نزول کیفیت، کاهش کیفیت، از کار افتادن
knock down	کاهش قیمت، شکست قیمت
soak up	به خود کشیدن، جذب کردن
spill over	پخش شدن، گسترش یافتن، هیجان زده شدن، غلیان کردن احساسات
stand back	خارج از گود به چیزی نگاه کردن
tighten up	سخت‌گیری کردن
turn around/ round	دوباره راه اندازی کردن، از ورطه نابودی نجات دادن
wrap up	به نتیجه رساندن

در زیر نمونه‌ای از کاربرد کنایه‌ای این عبارت‌های فعلی آورده شده است.

- Things went downhill and her marriage fell apart.
- Their standards have gone down in recent months.
- She knocked the price down by 15 percent.
- Terrorism feeds on fear.
- We wandered around, soaking up the atmosphere.
- The violence could spill over into neighbouring areas.
- You should stand back and consider your future.
- Airlines need to tighten up rules on baggage allowance.
- They turned the falling company round.
- The police have wrapped up the enquiry.